

چالش‌های حقوق کیفری در مواجهه با خشونت ورزشکاران در فوتبال

عبدالرضا جوان جمعری* - صادق صفری**

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۴ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۵)

چکیده

در سال‌های اخیر رشته‌های مختلف ورزشی به خصوص فوتبال از هدف ورزش برای سلامت جسم و گذران اوقات فراغت خارج شده و به جای آنکه محلی باشند برای انجام رقابت‌های عاری از خشونت؛ گاه خود، دستخوش خشونت و درگیری‌های پُردامنه می‌شوند. تاریخ فوتبال مملو از صحنه‌های خشونت‌آمیز و تأثرآوری است که به هیچ وجه با کارکردها و اهداف متعالی این رشته ورزشی سنخیتی ندارد. در این راستا آمارهای موجود در زمینه شیوع این پدیده نابهنجار در فوتبال، حاکی از آن است که حقوق کیفری برای مقابله با این پدیده، با چالش‌هایی مواجه است که نمی‌تواند از تمام توان و ابزارهای خود جهت مقابله با خشونت در ورزش استفاده کند. بدین‌سان در پژوهش حاضر تلاش شده ضمن تفکیک میان انواع خشونت مجاز و غیرمجاز در ورزش فوتبال و بیان ویژگی‌های هر یک، به‌طور خاص به موانع و مشکلات حقوق کیفری برای مقابله با انواع خشونت ورزشکاران در فوتبال پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: خشونت، خشونت ورزشی، رفتار جسورانه، رفتار خشن در ورزش، فوتبال.

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

مقدمه

در میان رشته‌های مختلف ورزشی، بی‌شک فوتبال اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد به طوری که برای بیان اهمیت فوتبال در جوامع کنونی نیازی به بیان آمار و ارقام نیست؛ حتی کسانی که نسبت به فوتبال بی‌تفاوت و بی‌علاقه‌اند اهمیت این رشته ورزشی را در ابعاد مختلف، انکار نمی‌کنند. در حال حاضر از فوتبال به‌عنوان یکی از پرطرفدارترین^۱، پربیننده‌ترین^۲ و پرحاشیه‌ترین^۳ ورزش‌ها یاد می‌شود. گستره و تنوع ابعاد مختلف فوتبال به گونه‌ای است که در حال حاضر از آن به‌عنوان یک صنعت یاد می‌شود^۴ و رؤسای فدراسیون‌های کشوری، قاره‌ای و جهانی فوتبال، در رده‌ی افراد بانفوذ و قدرتمند سیاسی قرار دارند.^۵ تعطیلی جلسات مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مختلف و تعطیلی کسب‌وکار مردم حین برگزاری مسابقات حساس فوتبال و استفاده ابزاری از فوتبال در عرصه سیاست بین‌الملل،^۶ حاکی از اهمیت فراوان این ورزش است (حاج بیگی و مسعودی ۱۳۸۵: ۷۴). اما باید توجه داشت بازی‌های ورزشی، در همان حال که سبب نشاط روحی و سلامت بدنی است، محل بروز انواع خطرها و ایراد ضرب‌وجرح‌هایی است که گاه به نقص عضو و مرگ نیز منتهی می‌شود.

۱. فوتبال از پرطرفدارترین رشته‌های ورزشی در بسیاری از کشورهای دنیاست. بیش از ۲۰۰ میلیون مرد و ۲۱ میلیون زن، عضو فدراسیون جهانی این رشته می‌باشند (Giza et al 2005: 212).
۲. فوتبال تنها ورزشی است که تقریباً همه جمعیت جهان را به‌نوعی به سمت خود جذب می‌کند. برای مثال، مسابقه نهایی جام جهانی ۱۹۹۸ را بیش از ۳ میلیارد نفر در سراسر دنیا تماشا کردند (به نقل از رایلی و ویلیامز ۱۳۸۴: ۴۲۳-۴۲۴).
۳. در سال‌های اخیر رشد و توسعه جرائم و تخلفات ارتكابی در حوزه ورزش فوتبال همانند رشد ورزش، چشمگیرتر و ملموس‌تر از سال‌های گذشته بوده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت حوادث ورزشی و حتی حاشیه‌های داغ ورزش، بعضاً پُررنگ‌تر از اصل آن بوده است (صفری ۱۳۹۳: ۱۳۷).
۴. امروزه ورزش فوتبال به تجارتی بزرگ و صنعتی پویا تبدیل شده است. صنعت ورزش به‌ویژه فوتبال به‌تنهایی بین ۱ تا ۲ درصد تولید ناخالص ملی کشورهای صنعتی را تشکیل می‌دهد. ورزش بحران دهه ۱۹۹۰ را با نرخ رشد سالانه‌ای برابر با ۵ درصد پشت سر گذاشت. صنایع ورزشی بین ۲ تا ۲/۵ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند (رحمتی ۱۳۸۶: ۱۶۲). صنعت فوتبال سودآورترین صنعت جهان در میان ورزش‌هاست که سالیانه بیش از ۱۵۰ میلیارد پوند برای آن برآورد می‌شود (رایلی و ویلیامز ۱۳۸۴: ۴۲۳).
۵. به‌عنوان نمونه می‌توان از دیداری که آقای «سپ بلاتر» به‌عنوان رئیس فدراسیون جهانی فوتبال در حاشیه همایش بین‌المللی علم و فوتبال در تهران با آقای «حسن روحانی» به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران و آقای «علی لاریجانی» به‌عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۵ برگزار شد، اشاره کرد.
۶. در این زمینه می‌توان به پیشنهادی که «نیک کلگک»، معاون نخست‌وزیر انگلیس - با توجه به تحولات اوکراین و روسیه، همچنین ساقط شدن هواپیمای مالزیایی که به شورشیان هوادار روسیه نسبت داده شد - اشاره کرد که در آن اظهار داشت برای تحت‌فشار قرار دادن روسیه، نیاز به مجموعه‌ای از تحریم‌ها است، اما لغو امتیاز میزبانی این کشور برای برگزاری مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۱۸ می‌تواند بیشتر مفید و مؤثر واقع شود.

خشونت در ورزش از جمله مهم‌ترین نابهنجاری‌های حوزه ورزش است که بیش از سایر نابهنجاری‌ها روح ورزش و خصوصاً رشته فوتبال را پژمرده کرده است.

«خشونت ورزشی»^۱ را می‌توان با الهام از تعریف خشونت،^۲ چنین تعریف کرد: خشونت ورزشی، رفتاری است که خارج از قواعد و مقررات ورزشی رخ می‌دهد، سبب آسیب عمدی می‌گردد و ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد. آسیب رساندن به دیگری، روش‌های بسیار زیادی دارد که می‌تواند شامل تحقیر، اهانت، دشنام یا تلاش برای آسیب جسمی باشد. هدف آسیب رساندن نیز، تحمیل نوعی درد و رنج فیزیکی یا روانی است (محسنی تبریزی و رحمتی ۱۳۸۱: ۱۲۹).

بدین‌سان در پژوهش حاضر این سؤال اساسی مطرح می‌شود که حقوق کیفری برای مقابله با خشونت ورزشکاران در فوتبال با چه چالش‌ها و مشکلاتی مواجه است که برای مقابله آن، نمی‌تواند از تمام توان خود استفاده کند و به کیفرهای شدید متوسل شود؟ لذا نگارندگان در این نوشتار و در مقام پاسخ به پرسش طرح‌شده، با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به کتب، نشریات، پایان‌نامه‌ها، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی و برقراری ارتباط با اساتید و پژوهشگران، قضات دادسرای ناحیه ۱۹ تهران، رئیس کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال و پیشکسوتان ورزش که به‌نوعی در موضوع پژوهش صاحب‌نظر بوده‌اند، مطالب این تحقیق را جمع‌آوری کرده‌اند.

نگارندگان با عنایت به اینکه تمامی افعال خشنی که از یک ورزشکار در فوتبال سر می‌زند، همگی از یک نوع نیستند و حتی بعضاً اجرای برخی از مهارت‌ها در این رشته ورزشی علی‌رغم اینکه همراه با خشونت می‌باشند، جزء اعمال مجاز در این ورزش محسوب می‌شوند، لذا در این پژوهش سعی شده قبل از هر چیز میان انواع و اقسام خشونت ورزشکاران در رشته ورزشی فوتبال تفکیک شود. برای این منظور ذیل سه مبحث جداگانه ابتدا بر خوردهای فیزیکی خشن در ورزش فوتبال، سپس در مبحث دوم خشونت مرزی یا بینابین در فوتبال و نهایتاً در مبحث آخر خشونت مجرمانه در این رشته ورزشی موردبررسی قرار گرفته است که هر یک از این

1. Sport Violence

۲. خشونت معادل واژه انگلیسی «Violence» است. اگرچه در خصوص خشونت هنوز تعریفی یکسان و موردقبول همگان وجود ندارد، اما به‌طور کلی می‌توان گفت «عمل خشونت‌آمیز آن چیزی است که در بردارنده صدمه، آسیب یا خسارت به انسان یا غیر انسان یا یک شیء باشد (Bessant 1999: 6). دامنه مفهومی خشونت می‌تواند از تهدید کلامی تا کشتن آدم‌ها را در بر بگیرد (Thomson 2004: 18).

خشونت‌ها بدو با ذکر مثال‌ها و مصادیقی در مبحث خود توضیح داده شده‌اند و سپس به چگونگی واکنش حقوق کیفری برای مقابله با هریک از آن‌ها پرداخته شده است و در پایان هر مبحث به چالش‌هایی که حقوق کیفری در مواجهه با هر یک از اقسام خشونت ورزشکاران در فوتبال با آن مواجه است بیان شده است.

۱- برخورد فیزیکی خشن

اصولاً در بسیاری از ورزش‌های برخوردی^۱ نظیر فوتبال، خشونت بخش جدانشدنی از رقابت و عنصری مهم از موفقیت بازیکن و تیم است.^۲ اما آنچه از خشونت در اینجا مطرح است از آن تعبیر به «رفتار جسورانه»^۳ می‌شود و از جمله عواملی محسوب می‌شود که به جذابیت رشته‌های ورزشی کمک می‌کند. اعمال این نوع خشونت مجاز در ورزش نه تنها خطا محسوب نمی‌شود، بلکه در برخی ورزش‌ها آن‌قدر اهمیت دارد که یکی از چند فاکتور بازیکنان موفق در آن رشته ورزشی محسوب می‌شود. به‌طور کلی، در حوزه ورزش وقتی شخصی تلاش می‌کند حقوق خود را بدون آسیب رساندن به دیگران به دست آورد گفته می‌شود که «ورزشکار جسوری»^۴ است.

با توجه به آنچه گفته شد رفتار جسورانه را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «رفتار جسورانه از جمله رفتارهای پر قدرت، قابل قبول، فعال و شدیدی است که بدون نیت آزار یا آسیب دیگران در چارچوب قوانین ورزشی اجرا می‌شود» (واعظ موسوی و شجاعی ۱۳۸۳: ۱۱۸). ورزشکاری که با قدرت و هیجان، اما در محدوده قوانین بازی رقابت می‌کند رفتارهایش قاطعانه یا شجاعانه است نه خشونت‌آمیز. در رفتار جسورانه بازیکنان فقط از نیروی خود به‌صورت

۱. ورزش برخوردی به ورزشی گفته می‌شود که در آن بازیکنان دو تیم، به‌طور فیزیکی در تماس با یکدیگر هستند. این در حالی است که در بسیاری از ورزش‌های غیر برخوردی مثل کوهنوردی، تنیس، پنگ پنگ، والیبال و ... اصولاً این نوع خشونت معنا و جایگاهی پیدا نمی‌کند.

۲. در واقع می‌توان گفت بازیکنان در رشته‌های برخوردی نظیر فوتبال تمایل دارند خودشان را به بازیکن حریف تحمیل کنند و قدرتشان را به یکدیگر نشان دهند (بسویک ۱۳۸۶: ۷۲).

۳. در برخی از منابع از این اصطلاح تحت عناوین دیگری از جمله: «رفتار قاطعانه، رفتار جرأت‌مندانه، رفتار شجاعانه، اظهار وجود کردن، خشونت مجاز در ورزش» یاد شده است.

۴. بازیکنان جسور اجازه نمی‌دهند که رقیبان از آن‌ها سوءاستفاده کنند (اصطلاحاً گفته می‌شود به بازیکن حریف باج نمی‌دهند)؛ همچنین قوی و با اطمینان هستند و پیوسته خود را به چالش می‌اندازند تا به عملکرد مطلوب دست یابند. پس می‌توان گفت جسور نبودن در ورزش با کاهش عملکرد مؤثر ارتباط دارد (انشل ۱۳۸۵: ۲۵۸-۲۵۹).

مشروع استفاده می‌کند ضمن اینکه قوانین بازی را نیز نقض نمی‌کنند (وودز ۱۳۸۵: ۱۱۹). به‌عنوان مثال، «شوت محکم در بازی فوتبال یا آبشار محکم در والیبال رفتارهای خشن نیستند؛ زیرا در آن‌ها قصد آسیب رساندن وجود ندارد. در عوض آن‌ها هدفمند، هدف‌گرا و ازجمله رفتارهای جسورانه محسوب می‌شوند» (گیل ۱۳۸۳: ۴۱۸). لذا می‌توان گفت «رفتار جسورانه اصولاً توأم با منطق است و برای آزار دیگران هم بکار گرفته نمی‌شود» (نجفی‌پور ۱۳۸۶: ۱۳).

این نوع خشونت اگرچه ممکن است بعضاً از دیدگاه افراد جامعه شدید و حاد به نظر برسد، ولی هیچ‌گاه به چشم جرم و جنایتی که مستوجب مجازات باشد به آن نگریسته نمی‌شود و قابل تعقیب هم نیست. حتی برخی مریدان رشته‌های ورزشی، این شکل از خشونت را تشویق و از آن به‌عنوان یک فاکتور مهم برای بازیکن ایده‌آل خود یاد می‌کنند.^۱ این نوع خشونت در بسیاری از موارد همراه با آسیب‌دیدگی بازیکنان است و حتی بعضاً بازیکنی که اقدام به چنین خشونتی می‌کند، خود متحمل آسیب‌هایی می‌شود که ناشی از رفتار جسورانه خودش است. نمونه بارز این نوع خشونت، شکستگی استخوان درشت‌نی پای چپ «فریدون زندی» در سال اخیر است^۲ (صفری، پیشین: ۷۱-۷۲).

با توجه به ویژگی‌هایی که برای این نوع خشونت برشمردیم، بر اساس بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، برخورد با این نوع خشونت در ورزش فوتبال امکان‌پذیر نیست. چراکه برای جرم بودن این قبیل حوادثی که در ورزش رخ می‌دهد می‌بایست یکی از دو شرطی که برای جرم بودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی در این بند ذکر شده را ثابت کرد. مطابق شرط اول باید ثابت کرد که سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش بوده است، اما همان‌طور که در مثال فوق مشاهده شد این قبیل حوادث معمولاً در راستای اجرای یک مهارت رخ می‌دهند و در پی نقض مقررات واقع نمی‌شوند. فلذا از این حیث نمی‌توان این نوع خشونت

۱. به‌عنوان نمونه ازجمله ویژگی‌های یک بازیکن فوتبال داشتن روحیه رقابت‌طلبی است. این ویژگی از چند فاکتور تشکیل شده است ازجمله اینکه در مبارزات غیرقابل پیش‌بینی روحیه خستگی‌ناپذیر داشته باشند- باید بخواهند یک سر و گردن از بازیکن رقیب بهتر باشند- باید بخواهند برنده شوند- روحیه جنگ‌طلبی داشته باشند (بسویک ۱۳۸۶: ۷۳).

۲. این حادثه وقتی رخ داد که این بازیکن ایرانی باشگاه الاهلی قطر، در منطقه پشت محوطه جریمه تیم حریف، تصمیم به شوت زدن می‌گیرد، اما بازیکن مدافع تیم حریف توپ را از جلوی پای وی برمی‌دارد و زندی بجای توپ، پای بازیکن حریف را شوت می‌کند. با توجه به اینکه برخورد این دو بازیکن یک برخورد معمول در فوتبال بود، لذا پس‌ازاین حادثه، بازی بدون وقفه ادامه پیدا می‌کند تا اینکه به اطلاع داور می‌رسد که در پی حادثه مذکور آسیب جدی به زندی وارد شده است. با توجه به انعکاس گسترده این واقعه در اینترنت برای مشاهده تصاویر و فیلم حادثه مذکور می‌توانید به سایت‌های مختلف رجوع کنید.

را مورد پیگرد قرار داد. همچنین مطابق شرط دوم باید بتوان ثابت کرد که مقررات ورزش مغایر موازین شرعی بوده است که اثبات این شرط در خصوص ورزشی نظیر فوتبال که دارای سابقه و تشکیلات زیادی است بعید به نظر می‌رسد.

شایان ذکر است در آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۰ نیز مقرره خاصی برای مقابله و برخورد با این نوع خشونت به چشم نمی‌خورد. طبق این آیین‌نامه نیز رفتار جسورانه و برخوردهای فیزیکی خشن بازیکنان در طول زمان برگزاری مسابقه، به‌عنوان جزئی از ورزش فوتبال پذیرفته شده است. البته در مواردی به تشخیص داور مسابقه، این نوع خشونت بعضاً با تذکر شفاهی داور مواجه می‌شود و چنانچه با نقض قوانین همراه باشد می‌تواند به‌عنوان یک خطای فنی معمولی قلمداد شود.

بنابراین می‌توان گفت علت عدم جرم‌انگاری برخوردهای فیزیکی و خشن در ورزش و مهم‌ترین چالشی که حقوق جزا برای مقابله با این نوع خشونت با آن مواجه است به عین شدن این نوع خشونت با ذات ورزش برمی‌گردد که علم حقوق را در این دوراهی سرگردان و دچار تردید کرده است که آیا پرهیز از خطرها و آسیب‌ها را مقدم دارد و بازی‌های خطرناک را منع کند یا به اشتیاق جامعه و خصوصاً جوانان پاسخ مثبت دهد و خطرها را پذیرا شود. لذا باید اذعان کرد موضعی که قوانین و مقررات ایران در خصوص این نوع خشونت در فوتبال اتخاذ کرده‌اند ناشی از فشار افکار عمومی و فایده‌های سیاسی، اقتصادی و اخلاقی ورزش فوتبال است که می‌توان از آن به‌عنوان خواست عرف یاد کرد. این امر باعث شده دست مقتن برای مقابله با این نوع خشونت بیشتر بسته باشد و در برخورد با این قبیل خشونت‌ها در ورزش فوتبال این گونه موضع بگیرد و چاره‌ای جز پذیرفتن این نوع خشونت به‌عنوان بخشی از ورزش نداشته باشد.

لازم به ذکر است آن دسته از اساتید حقوق که در توجیه حوادث ناشی از عملیات ورزشی^۱ به رضایت قربانی^۲ یا عدم وجود قصد مجرمانه^۳ استناد می‌کنند، نظرشان تنها در خصوص

۱. در بیان علت عدم جرم‌انگاری حوادث ناشی از عملیات ورزشی چهار نظریه کلی وجود دارد که عبارت‌اند از: عدم وجود قصد مجرمانه در عملیات ورزشی، رضایت مجنی علیه و قبول خطر، ضرورت اجتماعی و خواست مردم، اجازه قانون.

۲. لازم به ذکر است برخی اساتید حوادث ناشی از عملیات ورزشی را ذیل عنوان رضایت مجنی علیه بررسی می‌کنند (ولیدی ۱۳۸۲: ۲۱۶-۲۱۷؛ اردبیلی ۱۳۸۷: ۱۹۳؛ باهری و داور ۱۳۸۰: ۳۵۲ و ساکی ۱۳۸۷: ۲۹۷).

۳. اساس این نظریه بر این امر استوار است که جرم‌هایی که در عرصه‌های غیرورزشی از طرف قانون‌گذار کیفری، برای آن‌ها مجازات تعیین شده، از حس کینه و انگیزه نشأت می‌گیرد؛ درحالی‌که ضربات و حوادث ورزشی عاری از این امر

برخوردهای فیزیکی خشن کاربرد دارد. اما همان‌طور که در ادامه خواهیم دید این توجهات به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند در خصوص همه اقسام خشونت در فوتبال کاربرد داشته باشد.

۲- خشونت مرزی (بینابین)

خشونت مرزی یا بینابین^۱، نوع دیگری از خشونت ورزشکاران است که در طول برگزاری مسابقه رخ می‌دهد و به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از هر ورزش، موردپذیرش افراد دخیل در آن ورزش قرار گرفته است و حتی در آمار اعلام‌شده در پایان بازی‌های فوتبال در کنار آمار سایر موارد مثل تعداد ضربات کرنر، آفساید و شوت به دروازه حریف؛ تعداد خطاها و کارت‌های زرد و قرمز که هر تیم دریافت کرده است نیز اعلام می‌شوند. تکل زدن برای تصاحب توپ در صورتی که قبل از لمس توپ با حریف برخورد کند؛ تته زدن به بازیکن حریف برای برهم زدن تعادل وی؛ پریدن روی حریف؛ زدن یا اقدام به زدن حریف؛ بالا آوردن پا برای دفع توپی که بازیکن مقابل قصد دارد آن را با سر بزند و... از جمله مواردی است که در ذیل این نوع خشونت در ورزش فوتبال موردبررسی قرار می‌گیرد.

این نوع خشونت اگرچه ممکن است با محدودیت‌های قانونی زیادی همراه باشد و در بسیاری از موارد، این افعال با نقض قوانین مربوط به آن ورزش نیز همراه است، اما بعضاً مشاهده می‌شود که مربیانی که پایبند اصول اخلاقی و بازی جوانمردانه نیستند و پیروزی به هر قیمت را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند، برای از کار انداختن بازیکن کلیدی تیم حریف، بازیکنان خود را ترغیب به ارتکاب چنین اعمالی می‌کنند. آسیب‌دیدگی‌های ناشی از این نوع خشونت در مواردی آن‌قدر شدید است که به زندگی ورزشی بازیکن مقابل پایان می‌دهد و وی را برای همیشه خانه‌نشین می‌کند و در صورتی هم که پس از مدت نسبتاً طولانی به عرصه ورزش برگردد از دوران اوج خود بسیار فاصله گرفته و به‌هیچ‌وجه کارایی قبل را ندارد. با توجه به اینکه این نوع خشونت به‌عنوان بخشی از ورزش محسوب می‌شود، پیدا کردن مصادیق برای آن دشوار نیست.^۲

هستند.

۱. از آنجاکه در این نوع خشونت اصل رفتار ارتكابی مجاز، اما شدت و نحوه اعمال مهارت ورزشی غیرمجاز است، باعث شده که ماهیتی دوگانه داشته باشد و به این نام خوانده شود.

۲. به‌عنوان نمونه می‌توان به دیدار دوستانه‌ی سال ۲۰۰۶ بین تیم ملی فرانسه و چین اشاره کرد که در این بازی تکی خشن از

از آنجا که این نوع خشونت با نقض قوانین ورزش همراه است می‌بایست بر اساس مفهوم بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جرم محسوب شود و مستوجب مجازات باشد، اما همان‌طور که در ادامه اشاره می‌شود با توجه به محدودیت‌هایی که حقوق کیفری برای مقابله با این نوع خشونت دارد به هیچ‌وجه بر اساس متن قانون مجازات اسلامی مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که امکان ارجاع به دادگاه کیفری برای رسیدگی به صدمات و آسیب‌های وارده به بازیکنان در ذیل بند «ج» ماده ۳۹ آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال پیش‌بینی شده است.^۱ همچنین به نظر می‌رسد، بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی بازیکن خاطی که معمولاً با نقض قوانین همراه است را باید به نوعی تقصیر تلقی کرد و مطابق ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی،^۲ فرد آسیب‌زننده را ملزم به پرداخت دیه کرد. اما آنچه در عالم واقع شاهد آن هستیم، این است که خشونت مرزی به‌عنوان جزئی از خشونت معمول در بازی فوتبال شناخته می‌شود و باعث شده اعتبار قانون لازم‌الاجرای هم‌چون قانون مجازات اسلامی بی‌فروغ شود. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت این نوع خشونت اگرچه با نقض قوانین ورزش فوتبال همراه است، اما این نقض به‌صورت یک نابهنجاری و کج‌رفتاری معمول، امری عادی در ورزش پُربرخورد فوتبال به شمار می‌رود تا جایی که حتی در بازی‌های دوستانه و تمرینات تیم‌ها نیز بعضاً شاهد هستیم که حوادث زیادی پس‌از این نوع خشونت واقع می‌شود. بر اساس آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال نیز چنانچه این نوع خشونت به تشخیص داور با بی‌احتیاطی یا با استفاده از نیروی بیش‌ازحد انجام گیرد، به نفع تیم مقابل یک خطای فنی گرفته می‌شود^۳ و اگر خشونت با شدت زیادی همراه باشد، نهایتاً می‌توان فرد خاطی را با کارت قرمز جریمه کرد.

با توجه به نحوه مقابله با این نوع خشونت باید اذعان کرد یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق جزا بری مقابله با این نوع خشونت به ویژگی‌های ذاتی یک ورزش برمی‌گردد که

سوی «شاندونگ لی» باعث شد پای یکی از بهترین بازیکنان تیم فرانسه به نام «جبریل سیسه» طوری از استخوان ساق بشکند که گویی پای وی از محل شکستگی قطع شده و تنها جوراب ورزشی وی است که مانع جدا شدن پای او است.

۱. بند «ج» ماده ۳۹ آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال بدین نحو اشعار می‌دارد: «در خصوص صدمات و جراحات بدنی و دیه جانی، کمیته انضباطی صلاحیت اتخاذ تصمیم ندارد و موضوع را به محاکم ذی‌صلاح قضایی، محول می‌نماید».

۲. ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بدین نحو اشعار می‌دارد: «تحقق جرائم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیر عمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود. تبصره: تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود».

۳. در فوتبال به آن ضربه آزاد مستقیم می‌گویند.

جرم‌انگاری و ایجاد محدودیت در این زمینه را نیازمند دقت و ظرافت زیادی کرده است.^۱ به عنوان نمونه اگرچه فوتبال تنها ورزشی است که در آن به صورت هدفمند از سر برای ضربه زدن و کنترل توپ استفاده می‌شود و یکی از زیبایی‌های رشته فوتبال، استفاده بازیکنان از سر برای ضربه زدن به توپ است؛ اما باید گفت بسیاری از آسیب‌های شدید وارده به بازیکنان فوتبال که موجب نگرانی پزشکان نیز شده است نیز به همین مورد برمی‌گردد. به طوری که آسیب‌های ناحیه سر ۴ تا ۲۲ درصد از آسیب‌های رشته ورزشی فوتبال را در برمی‌گیرد. در پژوهشی که در زمینه آسیب‌های ناحیه سر به بازیکنان فوتبال به عمل آمده، در تجزیه و تحلیل دو فصل از بازی‌های لیگ برتر فوتبال ایران، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در تعداد ۲۳۹ مسابقه (۱۱۱ مسابقه از فصل ۸۵-۸۶ و ۱۲۸ مسابقه از فصل ۸۶-۸۷)، تعداد ۱۱۱ آسیب سر رخ داد که نیاز به کمک تیم پزشکی بود. این امر نشان‌دهنده میزان شیوع ۱۲/۶۷ آسیب در هر ۱۰۰۰ ساعت مسابقه و ۰/۴۶ آسیب در هر مسابقه است. هفت درصد از این آسیب‌ها منجر به خارج شدن بازیکن آسیب‌دیده از مسابقه و تعویض وی شد (زارعی و دیگران ۱۳۸۸: ۶۱).

حال نکته حائز اهمیت این است که علیرغم نتایج تحقیقات مشابه به عمل آمده در این زمینه،^۲ نمی‌توان بسیاری از برخوردهای فیزیکی خطرناک در رشته فوتبال را ممنوع اعلام کرد و برای آن مسئولیت کیفری، مدنی و یا حتی انتظامی بار کرد و چنانچه بدون توجه به برخی مسائل قوانین محدودکننده‌ای وضع شود، اگرچه ممکن است آسیب‌های بازیکنان به نحو چشمگیری کاهش یابد و حتی آن را به صفر رساند، اما از طرفی شاهد این خواهیم بود که رشته ورزشی فوتبال جذابیت و فروغ خود را از دست می‌دهد و دیگر کسی برای تماشای آن از تلویزیون نیز رغبت نشان نمی‌دهد چه برسد به اینکه برای تماشای آن حاضر باشد مسافت طولانی را با تمام مشکلات و فقر امکانات طی کند. پس بدیهی است که بدون درک دقیق از ویژگی‌های یک ورزش، نمی‌توان سیاست کیفری کارآمدی برای مقابله با حوادث و وقایع ناشی از عملیات خشن آن ورزش پیش‌بینی کرد.

۱. به عنوان مثال نتایج تحقیقاتی که در خصوص آسیب‌ها و صدمات ایجادشده در بازی فوتبال به عمل آمده است، گویای این است که ۸۱ درصد از آسیب‌های رشته ورزشی فوتبال، در اثر برخورد بازیکنان باهم رویدادهاست (Young et al 2004: 37).

۲. به عنوان مثال: در سال ۲۰۰۴ میزان آسیب‌های برخوردی در رشته ورزشی فوتبال، در دوازده تورنمنت فیفا و المپیک ۸۶ درصد گزارش کرده‌اند (Junge et al 2004: 1).

همچنین به نظر می‌رسد محدودیت دیگری که حقوق کیفری برای مقابله با این نوع خشونت با آن مواجه است، عدم شکایت بازیکن آسیب‌دیده از صدمه وارده به اوست. بازیکنی که در رقابت ورزشی آسیب می‌بیند، اما بدون ابراز مصدومیت حاضر می‌شود با بدن و سر آسیب‌دیده به بازی ادامه دهد، علاوه بر اینکه خودش نیز همواره به این اقدام افتخار می‌کند، نزد تماشاگران و مربیان و اهالی ورزش به‌عنوان بازیکن باغیرت و با تعصب شناخته می‌شود. به‌عبارت‌دیگر طرح شکایت از چنین آسیب‌هایی موجب کسر شأن و تنزل جایگاه بازیکن نزد همگان خواهد شد، لذا به‌هیچ‌وجه نمی‌توان متصور بود بازیکنی از چنین آسیب‌هایی به طرح شکایت روی آورد.

۳- خشونت مجرمانه

همان‌طور که اشاره شد آنچه در حال حاضر، روح ورزش را پژمرده کرده، رواج ناهنجاری‌های رفتاری، انحراف و کج روی‌های اخلاقی در بین متصدیان امور ورزش است. به‌طوری‌که می‌توان گفت ورزش (خصوصاً در سطح حرفه‌ای)، در مسیری که برای آن متصورند، سیر نمی‌کند و از اهداف والایی که برای آن برمی‌شمارند، بسیار فاصله گرفته است. این امر موجب شده ضرورت توسعه رشته‌ای تحت عنوان «حقوق ورزشی» جهت پرداختن به ناهنجاری در ورزش، بیش از گذشته حس شود. متأسفانه در سال‌های اخیر، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای ضمن توجه اندک به اهداف فردی ورزشکار با تجارت، صنعت، نمایش، سیاست و اقتصاد درآمیخته شده است و اهدافی چون سلامتی، آمادگی جسمانی و رشد فنی و ... همگی در خدمت سایر اهداف بیرونی و اجتماعی قرار می‌گیرند. ورزش جهت نیل به اهداف مادی، همچنین پیروزی به هر قیمت نگرشی است که امروزه سایه سنگین خود را بر پیکره ورزش مسلط نموده و در حال گسترش است و چنان بر روح ورزش مستولی شده که حتی بازی قانونی یا قانونی بازی کردن هم ارتقاء و گسترش لازم را نیافته تا چه برسد به بازی اخلاقی و منصفانه. خشونت در ورزش یکی از دستاویزهایی است که بعضاً ورزشکاران برای به دست آوردن پیروزی به آن متوسل می‌شوند. در این میان خشونت مجرمانه در ورزش یکی از انواع خشونت‌های ورزشکاران است که نگارندگان معتقدند به‌هیچ‌وجه برخورد بایسته با آن توسط حقوق جزا اعمال نمی‌شود. خشونت مجرمانه‌ای که توسط ورزشکاران در میدان ورزش اعمال می‌شود به دو قسم تقسیم می‌شود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.



الف) خشونت مجرمانه آنی

در خشونت مجرمانه آنی^۱ شاهد آن هستیم که به قوانین رسمی ورزشی و حتی هنجارهای پذیرفته شده از سوی ورزشکاران تجاوز می‌شود. تکل از پشت و روی پای بازیکن مقابل؛ لگزدن؛ پشت پا زدن؛ ضربه زدن با آرنج به بازیکنی که قصد دارد توپ را با سر بزند، همچنین انجام خطاهای آشکار که به سلامتی ورزشکار و شکل بهنجار بازی آسیب می‌زند، نمونه‌هایی از این نوع خشونت در ورزش فوتبال محسوب می‌شوند. این نوع خشونت که به صورت عمدی و آشکار واقع می‌شود، همواره در حین اجرای مهارت ورزشی و در زمانی که بازی در جریان است رخ می‌دهد. برخی بازیکنان این نوع خشونت را به صورت بسیار زیرکانه‌ای در حین اجرای مهارت ورزشی بکار می‌گیرند که اغلب از چشم داور بازی پنهان می‌ماند. ورزشکاران، تماشاگران و حتی عموم مردم این شکل از خشونت را محکوم کرده و با آن مخالف هستند.

وجه اشتراک بین خشونت مجرمانه آنی و مرزی به نقض قوانین برمی‌گردد. چراکه در هر دو نوع خشونت، قوانین ورزش نیز نقض می‌شود. اما تفاوت ظریفی که این دو نوع خشونت با یکدیگر دارند و می‌توان با کمک آن این موارد را از یکدیگر تفکیک کرد، این است که در خشونت مرزی اصل عمل ارتكابی غالباً از رفتارهای مجاز در آن ورزش به شمار می‌رود (مثل تکل در فوتبال) ولی شیوه‌ی اجرای آن باعث شده است که به این نوع خشونت تبدیل شود؛ یعنی ذات عمل ارتكابی غیرمجاز نیست بلکه شیوه‌ی نحوه‌ی اجرای آن غیرمجاز است. این در حالی است که در خشونت مجرمانه آنی اگرچه فعل ارتكابی در حین بازی واقع می‌شود، اما اصل عمل ارتكابی، از اعمال غیرمجاز در آن ورزش به شمار می‌رود. به عبارت دیگر ذات رفتار غیرمجاز است و نه اینکه شدت عمل ارتكابی غیرمجاز باشد.

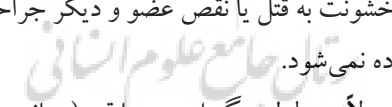
به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های بیان شده، این نوع خشونت را می‌توان رفتار غیرورزشی آنی نیز نامید؛ چراکه اغلب بدون پیشینه قبلی و در یک لحظه خاص اتفاق می‌افتد و بازیکنان پس از مشاهده فیلم حرکت خشونت‌آمیز خود، اغلب اظهار می‌کنند «متوجه رفتارم نشدم و دست خودم نبود». به طور کلی عوامل متعددی در بروز چنین خشونتی دخیل است که

۱. از آنجا که در این نوع خشونت فعل ارتكابی از جمله رفتارهایی است که ذاتاً غیرمجاز است و در مدت زمان بسیار کوتاهی بر اثر عدم توانایی فرد در خودکنترلی رخ می‌دهد و مرتکب بلافاصله اظهار پشیمانی می‌کند، تحت عنوان خشونت مجرمانه آنی یا لحظه‌ای از آن یاد می‌شود. لازم به ذکر است در مواردی جلوگیری از این نوع خشونت با توجه به فشار روانی زیادی که برای بازیکنان ایجاد شده است، بعید به نظر می‌رسد.

برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: فشارهای روحی و روانی از سوی تماشاگران، عدم تجربه کافی، تحریک بازیکن مقابل، وجود استرس، حساسیت بالای بازی، عدم نتیجه‌گیری تیمی و عملکرد ناموفق شخصی، احساس اجحاف به واسطه داوری ناعادلانه و ...

اگرچه گفته می‌شود این نوع خشونت با بالا رفتن سن و تجربه بازیکنان کاهش می‌یابد و بازیکنان شیوه‌های کنترل خشم و خودکنترلی را به مرور زمان فرامی‌گیرند، اما این قضیه همیشه به‌عنوان یک اصل صادق نیست؛ چراکه حرکت «زیدان» در مقابل «ماترادی» نمونه آشکاری بر نقض این ادعاست.^۱

با توجه به اینکه در این نوع خشونت، قوانین ورزش به طرز فاحشی نقض می‌شوند و عمل ارتكابی جزء افعال ذاتاً مجاز آن ورزش محسوب نمی‌شود و اصولاً به‌عمد هم ارتكاب می‌یابد، لذا هیچ مانعی برای اینکه بتوان فعل ارتكابی را بر اساس قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۵۸ آن مورد بررسی قرار داد، وجود ندارد. در این نوع خشونت برخلاف خشونت مرزی، مرتکب نمی‌تواند مدعی شود که قصد ایراد ضربه را نداشته یا قصد داشته توپ را دفع کند؛ چراکه عمل ارتكابی وی در این نوع خشونت، با اعمال مجاز در ورزش همخوانی ندارد و از این حیث جای هیچ دفاع و توجیهی برای فرد خاطی باقی نمی‌گذارد.

به نظر می‌رسد خشونت مجرمانه آنی در ورزش از جمله مواردی است که با توجه به نص ماده ۱۵۸، می‌بایست طبق قانون مجازات اسلامی مورد پیگرد قرار داد. حتی در مواردی که عمدی بودن خشونت آنی احراز می‌شود، نیازمند برخورد قاطع و مطابق قانون مجازات اسلامی است. مسلماً این نوع خشونت در ورزش با عناوین مجرمانه‌ای نظیر ضرب و جرح عمدی یا شبه‌عمدی قابل تطبیق است. اما باید دید چرا مقنن با ملاحظه حوادث ناگواری که در این نوشتار تنها به یک مورد از آن‌ها اشاره شد، دست به اقدامی جدی برای مقابله با این نوع خشونت نمی‌زند و تا وقتی این نوع خشونت به قتل یا نقص عضو و دیگر جراحات سنگین منتهی نشود، برای رسیدگی به دادگاه برده نمی‌شود.  خشونت شبه‌مجرمانه معمولاً در طول برگزاری مسابقه، (چنانچه از چشم داور دور نماند)

۱. حادثه مذکور بدین نحو رخ داد که در فینال جام جهانی ۲۰۰۶ و در رقابت دو تیم فرانسه و ایتالیا، مدافع ایتالیایی با الفاظی رکیک زیدان را خطاب قرار داد و حتی به خانواده او توهین کرد تا خشم زیدان را برانگیزد. ناگهان همه دیدند که کاپیتان باخلاق و اسطوره‌ای فوتبال فرانسه به طرف مدافع ایتالیایی رفت و با یک ضربه سر به سینه ماترادی، او را نقش بر زمین کرد. وی پس از این کار خود، بدون این که منتظر کارت قرمز داور بماند، از زمین مسابقه بیرون رفت.

با کارت قرمز مواجه می‌شود و بازیکنان نیز غالباً پس از اینکه از کوره در می‌روند و چنین واکنشی از آن‌ها در میدان ورزش سر می‌زند، به سرعت اظهار ندامت می‌کنند و تصمیم داور مسابقه را می‌پذیرند. رسیدگی به این نوع خشونت با استناد به بند ۱ از ماده ۲۲ آیین‌نامه انضباطی فدراسیون^۱ نیز امکان‌پذیر است و کمیته انضباطی می‌تواند وفق مقرره مذکور حکم مقتضی را صادر کند و بازیکن خاطی را صرف‌نظر از اخذ یا عدم اخذ کارت زرد یا قرمز حین مسابقه، به یک میلیون تا سیصد میلیون ریال جریمه و از یک تا هشت جلسه یا یک تا شش ماه محرومیت نیز محکوم می‌کند؛ چراکه خشونت شبه‌جنایی، علاوه بر اینکه می‌تواند مصداقی از خطای شدید تلقی شود، در عین حال می‌تواند رفتار غیرورزشی و برخورد زنده نیز قلمداد شود. همچنین با توجه به اینکه این نوع خشونت معمولاً موجب تحریک تماشاگران تیم خودی یا رقیب می‌شود از این حیث هم طبق ماده فوق‌الاشعار قابل بررسی است.

همچنین با توجه به اینکه این نوع خشونت معمولاً عمداً ارتکاب می‌یابد، می‌بایست موضوع در اجرای بند «ج» ماده ۳۹ آیین‌نامه برای رسیدگی به دادگاه نیز ارجاع شود^۲ و مطابق مقررات مربوط به قتل، ضرب یا جرح عمدی رسیدگی شود و علاوه بر دیه می‌تواند مجازات عمومی نیز به همراه داشته باشد؛ اما آنچه در عمل شاهد آن هستیم این است که این نوع خشونت نیز علی‌رغم اینکه به‌طور قطع می‌توان گفت شرایط مذکور در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی محقق شده است، باز هم برخوردی در خور اهمیت موضوع با آن نمی‌شود و به همان مجازاتی که کمیته انضباطی برای فعل ارتكابی در نظر می‌گیرد اکتفا می‌شود. اما به‌راستی با توجه به نص صریحی که در آیین‌نامه وجود دارد چرا این نوع خشونت به دادگاه کیفری ارجاع نمی‌شود. برای پاسخ به این پرسش، به نظر می‌رسد باید چالش‌هایی که حقوق جزا برای مقابله با این نوع خشونت مواجه است بررسی شود.

در این زمینه باید گفت ورزشکار یا بازیکنی که با رفتاری عادی به کار خود در میدان مسابقه ادامه می‌دهد اما ناگهان بر اساس محرک‌های بیرونی همانند دشنام دادن از سوی حریف

۱. یکی از مصداق این بند، رفتار غیرورزشی و برخورد زنده است.

۲. آنچه در خصوص مجازات مذکور در این ماده از آیین‌نامه، بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، فاصله زیاد میان حداقل و حداکثر مجازات در نظر گرفته شده (مخصوصاً در مورد جریمه نقدی) است که این امر به‌ندرت در سایر قوانین کیفری به چشم می‌خورد.

۳. این بند صراحتاً اشعار می‌دارد در خصوص صدمات و جراحات بدنی و دیه جنایی، کمیته انضباطی صلاحیت اتخاذ تصمیم ندارد و موضوع به محاکم ذیصلاح قضایی محول می‌شود.

به شدت تحریک می‌شود، غالباً در پی تخلیه فشار روانی و خشم خود است. این ورزشکار یا بازیکن عصبانی، پس از ابراز خشم به سرعت از قلّه عصبانیت به پایین برمی‌گردد.^۱ به عبارت دیگر بازیکن خاطی پس از این که خشونت شدید فیزیکی اعم از مشت و لگد و سیلی را از خود نشان داد، کمی آرام‌تر می‌شود. این عصبانیت نیز کم‌کم محو می‌شود تا اینکه فرد به حالت عادی و قبلی خود برمی‌گردد و اینجاست که متوجه می‌شود چه کرده است. لذا عموماً در این نوع خشونت شاهد آن هستیم بازیکنی که با این فرایند از کوره در می‌رود، ضمن عذرخواهی و ابراز ندامت و پشیمانی، تصمیم اتخاذ شده توسط داور را به راحتی می‌پذیرد و به دلجویی از بازیکن آسیب دیده می‌پردازد.

یکی از چالش‌هایی که حقوق جزا برای مقابله با این نوع خشونت با آن مواجه است، این است که اصولاً بسیاری از اتفاقات ناگواری که به واسطه خشونت مجرمانه آنی در فوتبال رخ می‌دهد، نتیجه از دست رفتن کنترل و تعادل روانی بازیکنان در مدت زمان کوتاه (چند ثانیه) است.^۲ این امر با توجه به فشارهای روانی ایجاد شده برای بازیکنان به قدری اجتناب‌ناپذیر^۳ است که همان‌طور که در مثال اخیر بیان شد، بازیکن بزرگی همچون «زیدان» که بارها عنوان بااخلاق‌ترین بازیکن در مسابقات مختلف را کسب کرده نیز توان کنترل این نوع خشونت را ندارد. وجود چنین مثال‌هایی در ورزش فوتبال حاکی از آن است که با سازوکار کیفری نمی‌توان جلوی این نوع خشونت را گرفت. لذا شایسته است همانند بسیاری از باشگاه‌های مطرح دنیا از تجارب روانشناسان برای مدیریت و کنترل خشم بازیکنان استفاده شود؛ چرا که وقتی فرد به این مرحله از خشم می‌رسد مجبور به تخلیه خود می‌شود و افزایش دوربین‌ها^۴ برای تلقین دیده شدن به بازیکنان و افزایش کیفرها برای ارباب و پیشگیری از ارتکاب، نمی‌تواند ورزشکاری را که به این مرحله رسیده، از تصمیم خود منصرف کند. شاید بهترین راه مقابله با

۱. این رفتار با نظریه پالایش روانی همخوانی دارد؛ این تئوری که به برون‌ریزی هیجان اشاره دارد بیان می‌کند اگر خشونت را سائق بدانم آنگاه ابراز آن باید اثر پالایشی داشته باشد و می‌بایست از شدت احساسات و رفتارهای خشن بکاهد. شبیه غذا خوردن که از شدت احساس گرسنگی می‌کاهد.

۲. برای مطالعه در زمینه ریشه‌های خشونت در ورزشکاران رشته فوتبال رجوع کنید به: (Murphy 1990: 26-37). برای مطالعه در زمینه دیدگاه روانی اجتماعی خشونت در فوتبال رجوع کنید به: (Giulianotti et al 1994: 87).

۳. در این زمینه بعضاً مشاهده می‌شود که فشار زیاد ناشی از فعالیت سنگین ورزشی، بازیکنان را در وضعیتی قرار می‌دهد که متوجه رفتار و اعمال خود نمی‌شوند و حتی می‌توان نوعی اجبار را برای فرد در ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز متصور بود.

۴. این راهکار در بسیاری از جرائم موجب کاهش آمار جرم می‌شود. به عنوان مثال جرم سرقت و جرائم رانندگی با تلقین حس دیده شدن کاهش می‌یابد.

این نوع خشونت، مشارکت اجباری بازیکنان در کلاس‌های عمومی و اختصاصی کنترل و مدیریت خشم است (صفری، پیشین: ۹۰-۸۹).

لازم به ذکر است که گاهی ویژگی‌های شخصیتی و تیپ شخصیتی^۱ بازیکنان اهمیت برگزاری چنین کلاس‌هایی برای کنترل و مدیریت خشم را بیشتر می‌کند. اصولاً بسیاری از مربیان و سرپرستان تیم‌ها دوست دارند بازیکنان سخت‌کوش را به عضویت تیم خود در آورند تا در موقعیت‌های حساس بازی بتوانند ناجی تیم باشند. این دسته از بازیکنان اگرچه از لحاظ فنی برای تیم بسیار حائز اهمیت هستند و مربیان سعی دارند از این بازیکنان در پست‌های خاص استفاده کنند، اما باید اذعان کرد همین ویژگی خاص بازیکنان ممکن است بلای جان تیم شود و با یک درگیری ناشی از عدم کنترل خشم ضربه مهلکی به منافع تیمی بزنند. با توجه به اینکه تیپ‌های شخصیتی بازیکنان نیز در بروز چنین رخدادهایی بسیار اثرگذار است، نگارندگان توصیه می‌کند حین ثبت قرارداد بازیکنان در فدراسیون‌های ورزشی بهتر است تست شخصیت از ورزشکاران گرفته شود و حداقل برای افرادی که دارای تیپ شخصیتی A یا برون‌گرا هستند، شرکت در کلاس‌های کنترل خشم اجباری شود؛ چرا که این ورزشکاران بیش از سایرین مستعد و در معرض توسل به خشونت آنی و حتی مجرمانه می‌باشند.^۲

ب) خشونت مجرمانه محض

در خشونت مجرمانه محض، نه تنها قوانین ورزش به‌طور آشکار نقض می‌شوند، بلکه هنجارهای بدیهی جامعه نیز توسط ورزشکاران نقض می‌شود. این نوع خشونت در ورزش از سوی ورزشکاران و تماشاگران و عموم مردم محکوم است و مرتکبین می‌بایست از سوی

۱. افراد دارای تیپ شخصیتی A: آن‌ها در بالاترین سطح تعهد کار قرار دارند و همیشه دوست دارند مسئولیتشان را به بهترین شکل ممکن انجام دهند؛ این افراد همیشه از باختن هراس دارند؛ افرادی هستند که به روش‌های ستیزه‌جویانه تلاش می‌کنند و افراد عصبی و تحت فشار هستند و ... افراد دارای تیپ شخصیتی B: افراد آرام منطقی و تا حدودی ژرف‌نگر هستند؛ حس مسئولیت‌پذیری قوی ندارند؛ برای بردن تلاش می‌کنند، ولی اگر پیروز نشوند ناراحت نمی‌شوند؛ کنترل خوبی روی هیجانات دارند و در شرایط سخت هم آرام هستند؛ فشار روانی کمتری را تحمل می‌کنند.

۲. در این خصوص ثابت شده که اشخاص برون‌گرا که اصطلاحاً گفته می‌شود تیپ شخصیتی A دارند نسبت به افراد درون‌گرا که اصطلاحاً تیپ شخصیتی B دارند از سیستم عصبی سمپاتیک قوی‌تر و اثرگذارتری برخوردارند. این افراد از محرک‌های فیزیکی محیطی مثل درد، خستگی و ... کمتر اثر می‌پذیرند و به دلیل قدرت زیاد سیستم عصبی سمپاتیک برای فعالیت در رشته‌های ورزشی رزمی، پربرخورد و انفرادی و یا تهاجمی و تیمی مناسب‌ترند و در مقابل افراد درون‌گرا که به محرک‌های محیطی حساسیت بیشتری دارند می‌توانند در رشته‌هایی مثل دو، تنیس، شنا و ... موفق‌تر باشند (حاجی رسولی ۱۳۸۵: ۴۷).

مراجع رسمی تحت تعقیب قانونی قرار گیرند. حمله و درگیری با حریف بعد از مسابقه یا زمانی که بازی به دلیلی متوقف شده و جریان ندارد، نمونه بارزی از این نوع خشونت است که به وفور در رویدادهای ورزشی و مخصوصاً در فوتبال به چشم می خورد. دامنه آسیب‌های این نوع خشونت می تواند از ایراد جراحت تا مرگ باشد.

در این نوع خشونت هیچ راهی برای گریز از تعقیب و پیگرد قانونی وجود ندارد و نمی توان به واسطه اینکه عمل خشن در حوزه ورزش رخ داده برچسب مجرمانه را از این افعال برداشت؛ چرا که به محض اتمام یا توقف بازی، می بایست ورزشکارانی که با اعمال خشن به یکدیگر صدمه می زنند، همانند سایر افراد عادی که ممکن است با یکدیگر منازعه داشته باشند، در نظر گرفته شوند. لذا نباید به واسطه اینکه طرفین منازعه ورزشکارند یا در میدان ورزش حضور دارند به عمل آن‌ها طور دیگری نگریسته شود. متأسفانه علی‌رغم وجود شباهت‌هایی که این نوع خشونت با برخی جرایم مشابه در خارج از محیط ورزشی دارد، شاهد آن هستیم که به این قسم از خشونت در فوتبال نیز به عنوان جزئی از ورزش نگریسته می شود و مجازاتی جز جریمه نقدی یا محرومیت موقتی که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال تعیین می کند، برای فرد خطاکار در بر ندارد.

همان‌طور که ملاحظه می شود وجه اشتراکی که بین خشونت مجرمانه آنی و محض وجود دارد این است که در هر دو، فعل ارتكابی از جمله افعال غیرمجاز در آن ورزش محسوب می شوند. اما تفاوت بارزی که این مورد با خشونت آنی دارد، در این است که در خشونت مجرمانه محض رفتار خشن ورزشکار، حاصل از دست دادن لحظه‌ای تعادل و کنترل روانی نیست، بلکه این نوع خشونت معمولاً در مدت زمان نسبتاً طولانی تری ادامه می یابد. همچنین ویژگی دیگر این نوع خشونت که آن را از سایر انواع خشونت متمایز می کند این است که خشونت مجرمانه محض در زمانی واقع می شود که بازی در جریان نیست یا برای مدت کوتاهی متوقف شده است. این در حالی است که در سایر خشونت‌ها فعل ارتكابی در محدوده زمانی بازی رخ می دهد.

در خصوص این نوع خشونت مصادیق داخلی و خارجی بسیاری وجود دارد که به عنوان نمونه می توان به درگیری بازیکنان دو تیم پرسپولیس و استیل آذین در سال ۱۳۹۰ اشاره کرد.^۱

۱. این بازی که یک‌بریک مساوی دنبال می شد، در دقیقه ۹۴ بازی، دروازه بان تیم استیل آذین با توجه به احساس دردی که در ناحیه کمر داشت و به تصور اینکه بازیکنان پرسپولیس در حرکتی جوانمردانه مجدداً توپ را به آن‌ها برمی گردانند، توپ را بیرون بازی می فرستد. در ادامه پرسپولیس‌ها که فکر می کردند این حرکت دروازه بان استیل آذین، برای اتلاف وقت

برای مقابله با این نوع خشونت، قطعاً نباید مشکلی جهت رسیدگی به آن بر طبق قانون مجازات اسلامی باشد، چراکه با توجه به اینکه فعل ارتكابی ورزشکاران در این نوع خشونت، هیچ شباهت و ارتباطی با عملیات ورزشی ندارد و تردیدی نیست که خشونت مجرمانه باید مطابق قوانین جزایی و در دادگاه کیفری رسیدگی شود. چراکه به محض توقف جریان بازی (اعم از توقف موقت یا دائم) ورزشکاران باید همانند افراد عادی در نظر گرفته شوند. افعال آنها از امتیازی که مقنن برای عملیات ورزشی قائل شده است محروم می‌شود و می‌بایست طبق قواعد کلی حقوق جزا و قانون مجازات اسلامی به افعال ارتكابی ورزشکاران رسیدگی شود. با توجه به اینکه در این نوع خشونت ورزشکاران، عمداً به قصد ایراد صدمه به یکدیگر آسیب و صدمه می‌رسانند، لذا قطعاً عمل آنها باید مشمول مقررات مربوط به منازعه، توهین، قذف، قتل، ضرب یا جرح عمدی شود.

باید اذعان کرد سیاست کیفری اتخاذی در خصوص این نوع خشونت که به‌عنوان شدیدترین و قبیح‌ترین نوع خشونت در ورزش شناخته می‌شود، به‌هیچ‌وجه متناسب با ویژگی‌های این نوع خشونت نیست؛ چراکه لزومی ندارد رفتار فردی که در مکان ورزشی با نادیده گرفتن قواعد بازی و زیر پا گذاشتن قواعد عمومی حقوق کیفری با سایرین گلاویز می‌شود را به دیده اغماض بنگریم. نگارندگان معتقدند توسل بیش از حد کمیته انضباطی به جزای نقدی، ابداً جنبه سرکوبگری و پیشگیرانه نداشته و نخواهد داشت. استفاده بدون مرز این رکن قضایی فدراسیون فوتبال از جریمه نقدی باعث شده، سیاست کیفری جریمه‌محور و مبتنی بر تسامح را از این کمیته برای مقابله با این نوع خشونت شاهد باشیم.

باقیمانده است، توپ را به بازیکنان استیل آذین بر نمی‌گردانند و نهایتاً درحالی که بازیکنان تیم استیل آذین منتظر بودند توپ در یک اقدام جوانمردانه در اختیار آنها قرار گیرد، ناگهان دیدند که توپ در دروازه آنها قرار دارد. پس از این گل، بازی به خشونت کشیده شد. سرانجام پس از یک خطای عمدی شدید بازیکنان دو تیم با یکدیگر درگیر شدند و بازی را به رینگ بوکس تبدیل کردند. خشونت به حدی بالا گرفته بود که شماری از مأموران نیروی انتظامی وارد زمین مسابقه شدند تا بازیکنان دو تیم را از هم جدا کنند. لازم به ذکر است نگارندگان به‌هیچ‌وجه قصد بیان جزئیات واقعه مذکور را ندارند و تنها به واسطه اینکه این رخداد برای ذهن خواننده محترم آشناست و مصداق بارزی از این نوع خشونت محسوب می‌شود، برای این قسمت انتخاب شده است.

۱. به‌عنوان نمونه می‌توان به میزان جریمه نقدی در نظر گرفته شده برای خاطیان بازی پرسپولیس و استیل آذین که شرح آن گذشت اشاره کرد؛ چراکه کل میزان جریمه نقدی تعلق گرفته به خاطیان این بازی، بیش از ۲۰۰ میلیون تومان بود که نشان از توسل بیش از حد کمیته انضباطی به جریمه نقدی دارد. برای مشاهده دقیق میزان مجازاتی که کمیته انضباطی برای هر یک از خاطیان این بازی در نظر گرفته می‌توانید به سایت فدراسیون فوتبال رجوع کنید.

لازم به ذکر است این نوع خشونت با هیچ‌یک از مبانی ذکر شده برای عدم مسئولیت کیفری در عملیات ورزشی نیز همخوانی ندارد. لذا نباید از امتیاز معافیت مسئولیت کیفری برای این نوع خشونت استفاده شود. یکی از مبانی ذکر شده برای عدم مسئولیت کیفری در عملیات ورزشی، فقدان قصد مجرمانه بود. مطابق این نظریه، قصد مجرمانه و انگیزه‌ای که از روی کینه، نفرت، عداوت و دشمنی باشد در تمرینات و رقابت‌های ورزشی وجود ندارد. لذا به همین دلیل نمی‌تواند در تشکیل جرم نقشی داشته باشد. پس حوادث ناشی از عملیات ورزشی به لحاظ فقدان قصد مجرمانه توسط مقنن جرم محسوب نشده‌اند و قابل مجازات نیستند (کاشف و شیدایی ۱۳۸۹: ۱۲؛ شکری ۱۳۹۱: ۷۸). اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه خشونت مجرمانه در زمانی واقع می‌شود که بازی در جریان نیست و بازیکنان عمداً و با سوءنیت به یکدیگر صدمه می‌زنند، لذا نمی‌توان گفت چالشی که حقوق جزا برای مقابله با این نوع خشونت با آن مواجه است به این مورد برمی‌گردد.

همچنین نمی‌توان عدم مقابله با خشونت مجرمانه محض در ورزش را با نظریه رضایت مجنی علیه^۱ نسبت به شرکت در مسابقه توجیه کرد. این نظریه که در مسائل حقوق ورزشی تاریخچه طولانی دارد^۲ به‌طور رسمی توسط «کاردوزو»^۳ با ضرب‌المثل معروفش «شخص ترسو می‌تواند در خانه بماند»^۴ تکوین یافت و در بسیاری از آراء محاکم مورد استناد قرار می‌گرفت. به‌عنوان نمونه این نظریه در سال ۱۹۶۲ توسط دیوان عالی «ایالت ارگان» مورد استفاده قرار گرفت: «فوتبال ورزشی همراه با درگیری بدنی است اقتضای آن درگیر شدن مستمر و مکرر

۱. رضایت مجنی علیه در حوادث ورزشی که در برخی از کتب با عنوان نظریه «قبول خطر» مطرح شده، بیان می‌دارد: «در حوادث ناشی از عملیات ورزشی، ورزشکاری که زیان می‌بیند خود اقدام به قبول خطر و زیان کرده است» (Thornton 2010: 335).

۲. برای مشاهده چندین پرونده در زمینه حقوق ورزشی که به این قاعده استناد شده رجوع کنید به: جامپون جونور ۱۳۸۶: ۲۱۸-۲۱۹؛ شعبانی مقدم و دیگران ۱۳۸۸: ۳۱-۳۳؛ شکری ۱۳۹۱: ۱۶۸-۱۷۱. در حقوق سایر کشورها، به‌ویژه در رویه قضایی دادگاه‌های انگلیس و آمریکا هم آراء زیادی وجود دارد که دعوی خسارت را به استناد رضایت زیان‌دیده و شرکت اختیاری او در مسابقه رد کرده‌اند. به‌عنوان نمونه رجوع کنید به: کاتوزیان ۱۳۷۸: ۴۲؛ همچنین برای مطالعه در زمینه مراجع رسیدگی‌کننده به دعوی و اختلافات در حوزه ورزش اعم از داخلی و بین‌المللی رجوع کنید به: شکری، پیشین: ۱۸-۴۲.

3. Cardoso

۴. «کاردوزو» یکی از بزرگ‌ترین حقوق‌دانان آمریکا است. مفهوم مخالف ضرب‌المثل وی بیان می‌دارد که در صورت مشارکت در فعالیت ورزشی، علی‌الاصول نخواهد توانست به نتایج زیان‌باری که در چارچوب مقررات حاصل شده باشد اعتراض کند. در این خصوص ضرب‌المثل ایرانی متداولی وجود دارد که به‌نوعی به این نظریه اشاره دارد و عموماً برای تسلی به فردی می‌گویند که در حین بازی به او آسیب یا صدمه رسیده است. این ضرب‌المثل چنین است: «بازی اشکنک دارد، سر شکستک دارد».

بازیکنان با قدرت هر چه بیشتر است ... درگیری بدنی، کوفتگی و شکستگی از وقایع اجتناب‌ناپذیر فوتبال است ... لذا بازیکنان باید خطرات، ضربات، شکستگی‌ها و صدمات آن را با رضایت پذیرا باشند.» اما در سال‌های اخیر این قاعده با تعدیل جدی مواجه شده به طوری که حتی وکلای مدافع چندان با این قاعده پُر ابهام موافق نیستند و بیان می‌کنند «آموزه قبول خطر به قدری ابهام‌انگیز است که حذف آن از صحنه حقوق به مصلحت خواهد بود» (جامپون جونیور ۱۳۸۶: ۲۱۷). همچنین در این راستا برخی معتقدند «رضایت به مواردی که بازیکن قصد ضربه زدن دارد تسری نمی‌یابد، به عبارت دیگر هیچ ورزشکاری را نمی‌توان راضی به حمله و خشونت بیش از حد فرض کرد، لذا استناد به رضایت بازیکن در خصوص ضرب و شتم عمدی در ورزش قابل دفاع نخواهد بود» (Standen 2009: 626 - 630).

این نوع خشونت بر اساس مبانی دیگری که برای عدم مسئولیت در عملیات ورزشی بیان شد، نیز قابل توجیه نیست؛ چرا که همان‌گونه بیان شد عُرف و قانون نیز این نوع خشونت را مجاز نمی‌دانند و فرد خاطی را مستحق مجازات می‌دانند. حال باید دید چرا با این نوع خشونت برخورد بایسته به عمل نمی‌آید.

نگارندگان معتقدند چالش عمده‌ای که حقوق جزا برای مقابله با این نوع خشونت با آن مواجه است، به عدم طرح این قبیل پرونده‌ها در محاکم کیفری مربوط می‌شود. همان‌طور که بیان شد این نوع خشونت با هیچ‌یک از مبانی عدم مسئولیت کیفری در عملیات ورزشی همخوانی ندارد و به هیچ‌وجه از امتیازاتی که برای معافیت از مجازات در خصوص اعمال ورزشی وجود دارد، بهره‌مند نمی‌شود. لذا کافی است این نوع خشونت به دادگاه ارجاع شود تا مطابق قانون مجازات اسلامی مورد رسیدگی قرار گیرد. اما علت عدم ارجاع این نوع پرونده‌ها به دادگاه چیست. برخی قضات^۱ در پاسخ به این سؤال بر این باورند که سیاست کیفری موجود برای مقابله با این نوع خشونت در ورزش باعث شده این قبیل موارد برای رسیدگی به دادگاه ارجاع نشود. به عبارت دیگر مسئولان ورزش در پی آن هستند که مأمورین امنیتی حاضر در ورزشگاه‌ها طی دوره‌ای چندساله از اماکن ورزشی حذف شوند و برقراری امنیت ورزشگاه نیز به باشگاه‌ها سپرده شود. در واقع می‌توان گفت سیاست کلی در این زمینه مبتنی بر عدم به کارگیری پلیس است که از آن با عنوان «پلیسی نشدن ورزش» یاد می‌شود (مصاحبه حضوری، ۳۰ بهمن ۱۳۹۲).

۱. حبیب‌الله هاشمی باز پرس شعبه اول دادرسی ناحیه ۱۹ تهران و نماینده دادستان در زمان برگزاری مسابقات فوتبال.

شایان ذکر است معدود مواردی هم که برای پیگیری به دادگاه ارجاع می‌شود، مربوط به جراحات شدید، نقص عضو و قتل است.^۱ در خصوص سایر صدمات نیز با توجه به اینکه معمولاً هر یک از طرفین تا حدودی تقصیر دارند و شکایت هر یک از آنها باعث خواهد شد طرف مقابل نیز در دفاع از خود شکایتی مشابه را مطرح کند، لذا شاهد آن هستیم که این نوع شکایات، کمتر به دادگاه برده می‌شود. به نظر می‌رسد بهتر است به این قبیل خشونت‌ها، با توجه به ماهیت آنها و اینکه در رسانه ملی نیز به نمایش گذارده می‌شود، از باب جرم عمومی نگریسته شود و مجازاتی برای آن منظور شود.

این نوع خشونت به واسطه آثار منفی و آسیب‌هایی که بر روحیه قشر نوجوان و جوانی که این بازیکنان را الگوی خویش قرار داده‌اند، می‌تواند بسیار خطرناک باشد؛^۲ چراکه واقعیت موجود در خصوص الگوپذیری کودکان، حاکی از آن است که اکثر آنها در انتخاب الگوهای ورزشی توجهی به الگو بودن آنها از لحاظ اخلاق و منش ورزشکاری و تحصیلات بازیکنان ندارند و به صرف شهرت یا سبک بازی یک بازیکن به آنها علاقه‌مند شده و آنها را الگوی خود قرار می‌دهند. این موضوعی است که متأسفانه بسیاری از فوتبالیست‌ها و مربیان حرفه‌ای به آن واقف نیستند و توجهی به زیر ذره‌بین بودن خود ندارند.

نتیجه‌گیری

خشونت ورزشی اکنون جزء جدایی‌ناپذیر میدین ورزشی شده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ناهنجاری‌هایی شناخته می‌شود که مقابله با آن، نیاز به اتخاذ تدابیری خاص است. تدابیری که می‌بایست قبل از هر چیز با فضای ارتکاب اعمال خشن در آن ورزش، مطابقت داشته باشد؛ چراکه اگر بدون توجه به ویژگی‌های یک ورزش چارچوب و قوانینی برای آن وضع شود، شاید منتهی به از بین رفتن جذابیت‌های آن رشته ورزشی شده و با عدم استقبال ورزشکاران و تماشاگران مواجه شود.

۱. برای مشاهده نمونه‌هایی از پیگیری این قبیل حوادث حین ورزش در دادگاه‌های کیفری، رجوع کنید به: چلبی ۱۳۸۹: ۵۲-۵۴ و شکری، پیشین: ۱۶۸-۱۷۴.

۲. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم تقریباً در اکثر کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال رشد، وابستگی نسل جوان بر رسانه‌های جمعی فزون‌تر است. تحقیقات انجام‌شده در شهر تهران حاکی از آن است که بیشتر تماشاکنندگان تلویزیون، کودکان زیر ۱۵ سال و بعد از آنان بانوان خانه‌دار و سپس جوانان بیشتر از ۱۵ سال هستند (شیخاوندی ۱۳۷۳: ۳۴۴).

با نگاهی گذرا بر قوانین کیفری ایران از قبل از انقلاب تا قانون اخیرالتصویب ۱۳۹۲ مشاهده می‌شود که خشونت در ورزش هیچ‌گاه به‌عنوان یک دغدغه در نظر مقنن جلوه نکرده است. مقنن در قبل از انقلاب با اختصاص یک‌بند از یک ماده به عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، بیان داشته بود در صورتی که حوادث ناشی از اعمال ورزشی در پی نقض قوانین آن ورزش نبوده باشد، جرم محسوب نمی‌شود و مجازاتی ندارد. از آنجاکه مقنن بعد از انقلاب نیز، اشراف کامل بر ویژگی‌های اعمال خشن واقعه در حوزه ورزش نداشته است، نهایتاً با اضافه کردن یک شرط دیگر (عدم مغایرت قوانین ورزشی با شرع)، عملاً حوادث ناشی از خشونت در عملیات ورزشی را جرم محسوب نکرده است. این رویکرد ناقص و مبهم مقنن در عمل باعث شده ورزشکاران و تماشاگران با تفسیری موسع و البته نادرست از این مقرر بر این تصور باشند که اعمال خشن آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی، به واسطه اینکه در محیط ورزشی انجام می‌شود، نهایتاً فقط تنبیهات انضباطی ساده‌ای توسط هیئت‌ها و فدراسیون‌ها را در پی خواهد داشت. حال آنکه اصولاً نباید تمامی اعمال خشن ورزشکاران و تماشاگران، مشمول حمایت مقنن از اعمال ورزشی قرار گیرد.

در مقام پاسخ به پرسش اساسی تحقیق به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عللی که باعث شده قانون مجازات اسلامی در زمینه‌ی خشونت ورزشی کارآمدی لازم را نداشته باشد، عدم توجه مقنن به اصل گروهی بودن قانون‌گذاری است. امروزه با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، مناسبات متقابل حقوق با دیگر امور اجتماعی از جمله سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روانشناسی و لزوم احاطه همه‌جانبه بر تمام شئون کشور، لازم است وضع قانون به دست گروهی متخصص و اگذار شود. برای وضع قانون در یک حوزه تخصصی، مسلماً باید نظرات کارشناسی اخذ و تمام جوانب امر سنجیده شود تا قانون از هر لحاظ جامع و مانع باشد. بدیهی است چنانچه بدون توجه به این مهم، مقرراتی برای مقابله با آن وضع شود، کارایی لازم را نخواهد داشت و به نتایج مدنظر منتهی نمی‌شود. مروری بر قوانین کیفری ایران از قبل از انقلاب تا قانون اخیرالتصویب ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که مقنن اشراف کامل بر ویژگی‌های جرائم واقعه در حوزه ورزش نداشته و این امر باعث شده ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به قانونی متروک تبدیل شود که موردی برای اجرا پیدا نخواهد کرد.

البته باید اذعان داشت یک راهبرد کارآمد و موفق برای مقابله با خشونت در ورزش الزاماً

نباید سمت گیری کیفری و سرکوبگرانه داشته باشد، نکته‌ای که متأسفانه در قانون گذاری‌ها و سیاست‌های کیفری تاکنون مغفول مانده و به شدت مورد بی‌مهری قرار گرفته است. حال آنکه با استفاده از کلاس‌های کنترل و مدیریت خشم و دیگر تدابیر پیشگیرانه می‌توان بسیاری از خشونت‌های غیرمجاز در ورزش را به حداقل رساند. استفاده از روانشناسان ورزشی در کادر فنی تیم‌ها عاملی است که می‌تواند در زمینه جلوگیری از بسیاری از خشونت‌ها مؤثر باشد؛ چراکه فضای ورزشگاه‌ها و جو حاکم بر رقابت‌های ورزشی بزرگ بعضاً بازیکنان و تماشاگران را در وضعیتی قرار می‌دهد که اگر نتوان از آن تعبیر به اجبار در رفتار خشن کرد، یقیناً می‌توان آن را نوعی ترغیب و تشویق قلمداد کرد.



منابع

الف) فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۷)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: نشر میزان، چاپ نوزدهم.
- انشل، مارک. اچ (۱۳۸۵)، روانشناسی ورزش از تئوری تا عمل، ترجمه علی اصغر مسدود، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- باهری، محمد؛ داور، میرزاعلی اکبر خان (۱۳۸۰)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- بسویک، بیل (۱۳۸۶)، روانشناسی در فوتبال حرفه‌ای، ترجمه علی صنعتگر، مشهد: نشر کتاب پردازان، چاپ اول.
- جامیون جونور، والتر. تی (۱۳۸۶)، مبانی حقوق ورزش‌ها مسئولیت مدنی در ورزش، ترجمه حسین آقایی نیا، تهران: نشر دادگستر، چاپ چهارم.
- چلبی، البرز (۱۳۸۹)، حقوق ورزشی، تهران: نشر جنگل - جاودانه، چاپ اول.
- حاج بیگی، محمدرضا؛ مسعودی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «خشونت و پرخاشگری در فوتبال و راه کارهای کنترل آن»، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان.
- رایلی، توماس؛ ویلیامز، مارک (۱۳۸۴)، علم و فوتبال، ترجمه عباسعلی گابینی؛ فتح‌الله مسیبی و محمد فرامرزی، تهران: کمیته ملی المپیک، چاپ اول.
- رحمتی، محمدمهدی (۱۳۸۶)، «تأملی جامعه‌شناسانه بر تجاری شدن ورزش»، نشریه حرکت، دوره ۳۲، شماره ۳۲، آبان.
- زارعی، مصطفی؛ رهنما، نادر؛ بمبئی چی، عفت (۱۳۸۸)، «آسیب‌های سر در بازیکنان فوتبال ایران»، مجله پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۴، پاییز.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۸۷)، حقوق جزای عمومی با لحاظ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات جنگل - جاودانه، چاپ اول.
- شعبانی مقدم، کیوان؛ طاهری، حمیدرضا؛ یوسفی، بهرام (۱۳۸۸)، حقوق ورزشی، کاشان: انتشارات اندیشه‌های حقوقی، چاپ اول.
- شگری، نادر (۱۳۹۱)، حقوق ورزشی، بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی ایران، تهران: انتشارات جنگل - جاودانه، چاپ دوم.

- شیخاوندی، داوود (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی انحرافات آسیب‌شناسی جامعه*، تهران: نشر مزیدیز، چاپ اول.
- صفری، صادق (۱۳۹۳)، *ارزیابی سیاست کیفری ایران در قبال خشونت ورزشی (با تأکید بر رشته ورزشی فوتبال)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، «*خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی*»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۳، بهار.
- گیل، دایان (۱۳۸۳)، *پویایی‌های روان‌شناختی در ورزش*، ترجمه نورعلی خواجهوند، تهران: نشر کوثر، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۱)، «*سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علی-توصیفی خشونت در ورزش*»، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹، بهار و تابستان.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۸)، «*تحلیل رفتار پرخاشگری و خشونت ورزشی با تأکید بر رهیافت روان‌شناختی اجتماعی*»، فصلنامه جامعه‌شناسی، سال اول، شماره سوم، تابستان.
- نجفی‌پور، فرشاد (۱۳۸۶)، *خشم و خشونت*، تهران: نشر نسل نواندیش، چاپ اول.
- واعظ موسوی، محمد کاظم؛ شجاعی، معصومه (۱۳۸۳)، «*فراوانی رفتار پرخاشگرانه و جرأت‌مندانه در موقعیت‌های برد، باخت و مساوی در ورزش‌های دسته‌جمعی مقطع متوسطه المپیک دانش‌آموزی*»، فصلنامه المپیک، سال دوازدهم، شماره ۲۵، بهار.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۲)، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات خورشید، چاپ اول.
- وودز، باربارا (۱۳۸۵)، *روانشناسی ورزشی*، ترجمه فتح‌الله مسیبی، تهران: نشر بامداد کتاب، چاپ اول.

ب) انگلیسی

- Bessant, Judith, Hil, Richard, Watt, Rob, and Webber, Ruth, (1999). *Thinking the Problem of Youth Violence and Families*, Australian Institute of Criminology.
- Giulianotti, R. Bonney, N. Hepworth, M (1994), *Football, Violence and Social*



Identity. London and New York, Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge.

- Giza, E. Mithofer, K. Farrell, L. Zarins, B. Gill. T. (2005). *Injuries in women's professional soccer*. British Journal of Sports Medicine, 39: 212-216.

- Junge A, Dvorak J, Graf-Baumann T, (2004). *Football injuries during FIFA tournaments and the Olympic Games, 1998-2001: Development and implementation of an injury-reporting system*, Am J Sports Med; 32 (Suppl 1): S80-9.

- Murphy, P. Williams, J. Dunnin, E (1990). *FOOTBALL ON TRIAL: Spectator violence and development in the football world*. London and New York, Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge.

- Standen, Jeffrey (2009). *The manly sports: The problematic use of criminal law to regulate sports violence*; The Journal of criminal law and criminology, Vol.99, No3.

- Thomson, D. (2004). *Crime and Deviance*, Oxford: Oxford University.

- Thornton, Patric K. (2010). *Sport Law*, Jones and Bartlett Publishers, Boston.

- Young S, Michelle C, Dong W, (2004). *Football injuries at Asian Tournaments*, Am J Sports Med: 32: PP:36-42.

